

متن فرمایشات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه ارواحناله‌الفداء



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله همهٔ دوستان ما، همه فقرا... آقای محجوبی که هنوز بیمارستان هستند، البته حالشان خیلی بهتر است، ان شاء الله بزودی حالشان خوب می‌شود. آقای محجوبی حال برای فقرا و بعضی‌ها ایجاد می‌کند و همه جا می‌آورند، در مدتی که آزاد بودند خیلی صدمه دیدند، خیلی اذیتشان کردند، ولی خب آقای محجوبی مقاومت کردند، و ایستادند. یکی از اذیت‌های اینها این بود که آقای محجوبی چون منزلشان نزدیک جایی بود که نماز می‌خوانند برای فقرا و اجازه نماز داشتند، فاصله کوتاهی بود بین... فقرا می‌رفتند... مخالفان این رفتن ایشان به نماز صبر می‌کردند همان چند دقیقه‌ای [مانده] به نماز احضار می‌کردند آقای محجوبی را و ایشان هم خب روی ارادتی که داشتند به اینکه من گفته بودم اگر احضار می‌کنند شما بروید ببینید چه می‌گویند، گوش بدهید. این بود که زود می‌رفتند نماز غالباً تعطیل می‌شد. ولی خب مقاومت می‌کردند تا بالاخره از چنگ این ... رها بشوند، اجازه نماز به ایشان دادم برای اینکه بدون اجازه اینها نمی‌گذاشتند حتی نماز بخواند، اجازه به ایشان دادم... ایشان ناچار شدند... ناچار شدند اطاعت کنند و ایشان را اقلأً برای ظاهر نماز آزاد بگذارند، مزاحم نباشند. من خودم هم اول همینجور... ولی خب اگر ایجاد مزاحمت، خواست دیگری نشود من هم آزادم... ولی خب نماز را آقایان ظاهراً آزاد گذاشتند که ما نمازمان را بخوانیم. بنابراین توجه کنید نمازتان را همیشه سر موقع و اگر امکان دارد به جماعت بخوانید با چند نفر از فقرا. گو اینکه خیلی‌ها نماز می‌خوانند، ولی به معنای نماز توجه ندارند. یکی از خصوصیات نماز، نماز سر وقت خواندن است، یعنی نماز... وقتی که گذاشتند برای ما، گفتند از اول شروع آفتاب تا طلوع چیز نماز بخوان، منتها یک فاصله‌ای گذاشتند، گفتند اگر در این ساعت اول نماز بیدار شدید و نماز را خواندید بهتر است، جهت این هم خیلی روشن است، غالباً همه خواب آلودند در آن وقت و کسی که آن موقع عادت کرده باشد که بیدار باشد، هوشیار باشد، خیلی کم است، و عده‌شان کم است، گو اینکه ولی همانها هم اگر بیایند به جماعت چون جزء جماعت می‌خواهند همراه بشوند خداوند قبول می‌کند. خداوند از بندگانش قبول می‌کند ولو اینکه... روشن نباشد. امیدوارم که ما هم همه‌مان بتوانیم و وضعیتی داشته باشیم و [برای] آقای محجوبی همه دعا می‌کنیم ان شاء الله بزودی حالشان خوب بشود، تشریف بیاورند که ما بتوانیم... این تفاوت حالات و روحیات مشایخ که می‌بینید عمدی است و امری است که خدا مقرر کرده، برای اینکه هرکسی هر جور حالش اقتضا می‌کند وارد نماز بشود. کسانی هستند ظاهراً در زندگی دنیا کارهایی دارند، خیلی معمولی هستند، برای غیردرویش معلوم نمی‌شود که چه نظری دارد به اینها. خیلی از این قبیل درویشها من دیدم، هستند که حالشان اقتضا می‌کند که

به خود معنای درویشی بپردازند، معنای نماز و اینها و گاهی اینقدر در این درک معنا دقت می کنند که اصل معنا از خاطرشان می رود. این شعر حافظ حال اینهاست در واقع:

من آن نایم که ز عشق رخت کناره کنم به زیر تیغ اگر خویش را نظاره کنم

یک حالتی دارند اینها، اصلاً بی هوش و بی خبرند. آن شعر که می گوید:

غلط است آنکه گویند به دل ره است دل را دل من ز غصه خون شد دل تو خبر ندارد

در درویشی که مردم می بینند و گفتار می شود که می گویند درویش درویش، و خیال می کنند می گویند درویش چیست؟ درویشی یک چیزی است خارج از جمع و خارج از آشنایی دیگران. گاهی هم اینجور از خود، از جمع خارج می شوند و در بیابان، بیابان فکری، بیابان درون خودشان، مثل آن مرحوم ملنگ، ملنگ را اگر دیده باشید... که، اینها این است که هر کسی را که دیدید و هر درویشی را در نظر گرفتید، اگر دیدید حالات متفرق، حالات عجیب و غریب که غیرقابل فهم است انجام می دهد تعجب نکنید، آن حالتی، در یک حالتی، مثل اینکه در یک صحرای بدون... یا بدون... از هر گلی که رسیدند به بویی چیدند...

شما برای اینکه درویشی در مسیر خودش برود نگاه کنید به دستوراتی که داده شده، البته دستوراتی داده شده می گویند تا می توانید اول وقت نماز بخوانید، این برای همه است، ولی همین دستور برای هر کدام یک آثاری دارد، به این معنی برای آن کسی که اهل نماز است و روزه و این عبادات، نشان دهنده این است که تا وقتی این دستورات را انجام بدهید خیلی راحت است، اما خیال نکنید کارت تمام است، نه. برای هر کدام که... و ظاهراً می بینید نمازشان دیر می شود و تأخیر می شود، اینها هم برای خودشان حالی دارند... حالشان این است که توجه کنند، این نمازی که می خوانند حتی به ظاهر هم نماز صحیح یا نماز... در شرح حالها، شما از کتابهایی که در مجلس خوانده می شود، آنها را در بیرون هم می توانید بخوانید و توجه کنید، ... دعاها که ما ... حالت مستی و بی خبری بهتان دست می دهد. آن خبر مستی خبر... درویشی نیست، بلکه یک جلوه ای است از درویشی. درویشی جلوه های مختلف دارد که در همه این جلوه ها باید سعی کنید دستورات را و مرشد خودتان را در نظر بگیرید و با او هم قدم بروید جلو. هر کدام از اینها از یک باغ می آید. ما در گناباد چندتا باغ هست باغاتی، البته ظاهراً خب آقای باغداری است... همه چیز دارند... همه حالات مختلف مردم را در دست دارد و به همین حساب هم بعضی اوقات به جهت خاصی مردم را هدایت می کند، به حالت مستی و بعضی اوقات هم با حالت آرامش، که در آن آرامش الهام قلبی را بگیرد و بتدریج بگوید چه باید بشود. در واقع در این راه شما خودتان را به اختیار... گذاشتید. یعنی هیچ یک از آثاری که گفتند و شنیده اید جزو روال نیست، ولی همه اش هم جزء روال هست... کسی که در این

حال دیدید که خیلی مؤدب، خیلی آرام است... خیلی شلوغ و سرش... واقعاً در خیال خودش رام است، آماده است برای اتفاق... .

در جنگهای اولیه اسلام یعنی در... پیغمبر خب کمتر این حالات را نشان می داد، برای اینکه مشکل بود برایشان مردم آن زمان. جمعیت زیاد بودند، منتها از هر گروهی، هر جمعیتی یک عده خاصی که استعداد داشتند و لیاقت داشتند این چیزها را می فهمیدند، این حالات مختلف را می فهمیدند و... این حالات در کل چیزی نیست که با درس گفته بشود، خودبخود نهال این حالتی پیدا می شود، مثل این که می خواهد در این دنیا پرواز کند، البته آخرش هم همین جور می شود، پرواز می کند، ولی پروازها گاهی از روی جهنم رد می شود، پر و بالشان می سوزد، ولی گاهی از راهنمایی های عرفان و راهنمایی های مرشدش سرچشمه می گیرد و... این است که برای درویش حالات مختلفی در جهات مختلف فراهم می شود، هیچ کس درست نمی داند، نه به این معنا، جز خودش وقتی به حال آمد یادش می آید که این مشاهده ای داشتیم و این مشاهده در مسیر به حق بوده است. ... بیگانه نشوید. همیشه اینها را چیز داشته باشید، به هر صورتی که بود، به هر صورتی هم که جلوه کرد، این... الهی جلوه کرد خیلی محترم بدارید. من در خیلی از فقرا می بینم، حالت جذب به خداوند و حالات الهی می بینم، اینها را، این حالات را نگه دارید، به این معنی که باید در تمام اوقات، وقتی می گوئیم تمام اوقات، دیگر قابل شمارش نیست که بگوئیم صبح، عصر... یعنی تمام اوقات فکر کنید که این موجودی که من هستم در این بدن... باید مطیع فرمان الهی باشد و این که چجوری مطیع باشد خودش فکر کند. در این صورت اگر هم به گودالی افتاد همان... درش می آورد. این در معنای، در صورت ظاهرش نگه داشتن حالات عرفانی به وسیله دوستی با دیگران، دوستی با فقرای دیگر، نه دوستی های الکی، دوستی با فقرا، این دوستی ها دلها را پرورش می دهد، دلهای هر کدام را پرورش می دهد و نیرو می گیرد. به همین جهت هم هست که در همه مراحل توصیه به اجتماع و همه عبادات در اجتماع برگزار [گردد]. در نماز گفتند که با هم باشید، نماز باهم بودن یعنی چه؟ نماز باهم بودن، چه این دو نفر پهلوی هم ایستاده باشند، چه در یک... این باهم بودن اینها... که دلهایشان که باهم هست... با میل خودشان متوجه دیگران شده اند، همان تبدیل می شود به میل دوستی به دیگران. مهمترین مظهر... بودن و ستایش آزاد بودن، جاهایی که هست که معمولاً بعضی جاها خصوصیتی دارد که جذب می کند از این جهت که در آنجا با هم باشند. مثل ائمه... ائمه. این مقامات بخاطر احترامی که آن مقام دارد با دلبستگی با همه فقرا ارزش دارد آنجا... . که ارتباطی باهم ندارند یا ارتباطی دارند، ارتباط جنبه دنیایی دارد و جنبه، اگر جنبه دنیایی با... با توجه به لطف خدا باشد خداوند تبدیلیش می کند به مجالس فقری، کمالینکه چند نفر اگر مثلاً با هم نشستیم، نمازی خواندیم ...

کم کم خواندیم چرخ گردش رو به کمال است، کم کم آشنا می شویم... بنابر هر نوع، از هر نوع تربیت... یا آن مثل مشهوری است که، پرسیدند:

ادب از که آموختی؟ گفت از بی ادبان.

این را بدانید وقتی خداوند بی ادبان را هم مأمور تربیت شما و تربیت ما کرد بطریق اولی... گفت چگونه از بی ادبان آموختی؟ گفت نگاه کردم هرچه آنها کردند نکردم، هرچه نکردند کردم، به این طریق آنچه که آنها کردند من نکردم، ما نداشتیم بی ادبی... مثنوی بخوانید، بیشتر بخوانید، کتابی است که می توان با آن، از آن همه آداب و رسوم را استخراج کنید. به این طریق درویشی در یک شأنی باشید فارغ از همه دنیاهایتان. خب... چطور از بی ادبان آموختیم؟ گفت آن کسی هم که بی ادب است از بی ادبان، ادب بلد نیستند، اگر یاد بگیرند، یاد می گیرند. آنها را آدم نگاه می کند... شاید این... را آدم می بیند تکاملی پیدا کردند، این جمع این تکامل... از بی ادبان آموختند. بلکه ادب دارها هم خودشان از سایر بی ادبها، از سایر آن چیزی که خداوند آفریده... به هر جهت خداوند در این بیابانی که اسمش دنیا است، هزاران هزار راه آفریده، از این راه برود... در این بیابان همه به دنبال ادب و آداب هستند. ان شاء الله ما هم برسیم به این... حالت این استنباط را داشته باشیم. به این نحو خیلی اشخاص را دیدیم، یک واقعه ای رخ می دهد، یکی از اینها... در دل خودت، این برای خاطر ماها این آسایش هست، یکی از اینجا متوجه می شود که این آقا بی ادبی [کرده] و باید خودش از بی ادبان ادب یاد بگیرد، ولی نه اینکه... خلاصه به هر نحوی باشد از تمام زیر و روی وقایع خداوند، وقایعی که آفریدید باید بهره ببرید، یعنی معنویتان بهره ببرید. ان شاء الله به این طریق همچون مثل درختی که، نهالی که آب می دهند، درخت... از همه اینها... ان شاء الله دیگر هیچ کسالتی هم پیدا نکنید تا اینکه قدر سلامت را هم بدانید.

